



Shahid Bahonar
University of Kerman



Analyzing and Examining the Position of Women in the Proverbs of Dehaghan City Based on Cognitive Distortions

Zohreh Asadian¹ | Maryam Mahmoodi² | Parisa Davari³

1. Ph. D student of Persian Language and Literature, Azad University of Dehaghan, Dehaghan, Iran. E-mail: z.asadian1559@gmail.com
2. Corresponding author, Associate professor of Persian Language and Literature, Azad University of Dehaghan, Dehaghan, Iran. E-mail: m.mahmoodi75@yahoo.com
3. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Azad University of Dehaghan, Dehaghan, Iran E-mail: Parisa.davarii@gmail.com

Article Info

Article type:

Research Article

Article history:

Received 12 November 2023

Received in revised form 04

October 2023

Accepted 23 May 2024

Published online 24 June 2024

Keywords:

popular literature

proverbs

women

cognitive distortions

ABSTRACT

Purpose: The oral literature of each region is considered a type of folk literature, which can be used to understand the different aspects of the culture and literature ruling that region and the way of thinking of its people through its analysis and investigation. Proverb is one of the components of popular literature. Some proverbs have a gender bias. In every culture, gender proverbs indicate the social status of men and women. In these proverbs, the society's expectations and demands of each gender (male and female) have been specified. Examining the place of women in common proverbs in the city of Dehaghan - one of the districts of Isfahan - can show the thinking and mentality of the people of this region about women.

Method and Research: The purpose of this research, which was conducted in the field-library method, is to examine these proverbs based on cognitive distortions, which are considered a subset of cognitive errors and part of the topics of psychological science.

Findings and Conclusions: Examining the proverbs based on the above-mentioned foundation will provide a detailed understanding of the position of women in this city. The results of this research show that some cognitive distortions were involved in the formation of gender proverbs in the city of Dehaghan, which include: all or nothing thinking, overgeneralization, hasty conclusions, Emotional reasoning, Should Statements, labeling.

Cite this article: Asadian, Z., Mahmoodi, M., & Davari, P. (2024). Analyzing and examining the position of women in the proverbs of Dehaghan city based on cognitive distortions . *Journal of Iranian Studies*, 23 (45), 25-44. <http://doi.org/10.22103/JIS.2024.20531.2417>

EXTENDED ABSTRACT

Introduction

Proverbs are poetic or prose phrases, short and fluent, in which the culture, thoughts and beliefs of the society are reflected; Therefore, proverbs are a rich and accessible source for knowing people's thoughts, ideas, moods and interests. Some proverbs have a gender bias. In every culture, gender proverbs indicate the social status of men and women. False beliefs about women have always existed and have penetrated into various cultural and social fields such as religion, language, economy, job and power. Folk gender beliefs that exist in every region and ecology are sometimes expressed in proverbs. In this article, the aim of the authors is to investigate the position of women in the common proverbs of Dehaghan based on cognitive distortions. Dehaghan is one of the historical and touristic cities of Isfahan province, located ninety kilometers southwest of Isfahan city, in the center of the Iranian plateau.

Methodology

This study is a descriptive-analytical study in which by referring to the proverbs of the city of Dehaghan and analyzing its content, the way women are represented in them is determined and the type of cognitive error that had an impact on the formation of the proverb is determined. Proverbs have been collected by field method. For this purpose, 16 knowledgeable people who were mostly over 40 years old and from different classes of life were interviewed. The scope of this research was all the districts of Dehaghan city.

Discussion

Among the types of cognitive distortions, all-or-nothing thinking, exaggerated generalizations, hasty conclusions, dos and don'ts, and labeling are among the things that have been effective in the formation of researched proverbs that show It means that there are many anti-feminist statements in the social-cultural background of the people of Dehaghan city. Realistic assessment and attitude change is a way to correct these distorted beliefs and cognitions. Negative and illogical thoughts about women should be replaced with rational and correct thoughts, and by recognizing the incorrect beliefs and beliefs that have penetrated into the minds of the people of the society during the growth period, and refining them and using a correct value system based on the reality of the mind. Cleared from the cognitive mistakes that have caused a lack of correct understanding of women.

4. Conclusion

As one of the social activists, women have a special and different image in proverbs; Sometimes a sublime face and sometimes negative and humiliating. The social conditions of different eras and the supremacy of patriarchal thought have been effective in paying attention to the negative aspects of women. Therefore, unfair and unacceptable judgments about women, which unfortunately some of them are still popular, are considered part of the image of women in proverbs, and the gender proverbs of Dehaghan are no exception to this rule. In this research, the negative view of women is intended. Gender bias can be seen in some proverbs. These proverbs show the social status of men and women and reveal the expectations and demands of the society of each gender (men and women). In this research, which is of an interdisciplinary type, the place of women in common proverbs in the city of Dehaghan - one of the districts of Isfahan - was investigated and it was found that the cognitive model of disturbed and ineffective thinking has a great impact on people's understanding of women in this city and in Proverbs have appeared.

تحلیل و بررسی جایگاه زنان در ضرب‌المثلی شهر دهاقان بر بنیاد تحریف‌های شناختی

زهره اسدیان^۱ | مریم محمودی^۲ | پریسا داوری^۳

۱. دانشجوی دکتری، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، دهاقان، ایران. رایانامه:

z.asadian1559@gmail.com

۲. نویسنده مسئول، دانشیار، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، دهاقان، ایران. رایانامه:

m.mahmoodi75@yahoo.com

۳. استادیار، بخش زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد دهاقان، دهاقان، ایران. رایانامه:

Parisa.davarii@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	زمینه/هدف: ادبیات شفاهی هر منطقه نوعی از ادبیات عامه محسوب می‌گردد که می‌توان از طریق تحلیل و بررسی آن، به شناخت جنبه‌های مختلف فرهنگ و ادبیات حاکم بر آن منطقه و طرز تفکر مردمانش پرداخت. ضرب‌المثل یکی از اجزای ادبیات عامه است. برخی از ضرب‌المثل سوگیری جنسیتی دارند. در هر فرهنگی ضرب‌المثلی جنسیتی، نشان‌دهنده موقعیت اجتماعی زن و مرد است. در این ضرب‌المثل توقعات و خواست‌های جامعه از هر جنس (زن و مرد) مشخص شده است. بررسی جایگاه زنان در ضرب‌المثلی رایج در شهر دهاقان-از توابع اصفهان- می‌تواند نشان‌دهنده تفکر و ذهنیت مردمان این منطقه درباره زنان باشد. هدف از این پژوهش بررسی این ضرب‌المثل بر بنیاد تحریف‌های شناختی است که زیر مجموعه خطاهای شناختی و جزء مباحث علم روانشناسی محسوب می‌شود.
تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۲۱	روش/رویکرد: این پژوهش به روش کتابخانه‌ای-میدانی انجام شده است.
تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۰۷/۱۲	یافته‌ها/نتایج: بررسی ضرب‌المثل بر بنیاد مذکور، تا حدی درک و شناخت دقیقی از جایگاه زنان در این شهر ارائه می‌دهد. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که در شکل‌گیری ضرب‌المثلی جنسیتی در شهر دهاقان برخی از تحریف‌های شناختی دخیل بوده‌اند که عبارتند از: تفکر همه یا هیچ، تعمیم مبالغه‌آمیز، نتیجه‌گیری شتابزده، استدلال احساسی، بایدها و نبایدها، برجسب زدن.
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۳/۰۳	کلیدواژه‌ها: ادبیات عامه، ضرب‌المثل، زن، تحریف‌های شناختی، دهاقان.
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۴/۰۴	

استناد: اسدیان، زهره؛ محمودی، مریم و داوری، پریسا (۱۴۰۳). تحلیل و بررسی جایگاه زنان در ضرب‌المثلی شهر دهاقان بر بنیاد تحریف‌های شناختی.

مجله مطالعات ایرانی، ۲۳ (۴۵)، ۴۴-۲۵.

<http://doi.org/10.22103/JIS.2024.20531.2417>



ناشر: دانشگاه شهید باهنر کرمان.

۱. مقدمه

۱.۱. بیان مسئله

ضرب‌المثل عبارات منظوم یا مثنوی کوتاه و روانی هستند که فرهنگ و تفکرات و باورهای جامعه در آن‌ها انعکاس یافته است؛ از این رو برای شناخت افکار، اندیشه‌ها، خلیات و علایق مردمی منبعی غنی و در دسترس هستند. «ضرب‌المثل را می‌توان زبانهنگ (زبان + فرهنگ) در نظر گرفت که نشان‌دهنده نوع نگرش، فرهنگ و تفکرات ارزشی مردم هر جامعه هستند.» (پیش‌قدم و دیگران، ۱۳۹۹: ۲۲۳). بدین ترتیب، تامل در ضرب‌المثل از سویی در شناخت بهتر زبان مؤثر است و از سوی دیگر خصلت‌های فردی و اجتماعی گویشوران آن زبان را نشان می‌دهد. «ضرب‌المثل از بطن جامعه درآمده و سینه به سینه گشته تا به ما رسیده است. مثل‌ها گوینده مشخصی ندارند و همه مردم طی تاریخ آن‌ها را صیقل داده‌اند.» (ذوالفقاری، ۱۳۹۴: ۲۴).

برخی از ضرب‌المثل سوگیری جنسیتی دارند. در هر فرهنگی ضرب‌المثلی جنسیتی، نشان‌دهنده موقعیت اجتماعی زن و مرد است. چگونگی متصور شدن زن و مرد و رفتارها و تفکرات وابسته به آن‌ها در ضرب‌المثل اهمیت بسیار دارد. در این ضرب‌المثل توقعات و خواست‌های جامعه از هر جنس (زن و مرد) مشخص شده است. جایگاه زن در طول تاریخ ایران با توجه به نوع حکومت‌ها، شرایط اقتصادی، سیاسی و اعتقادی دارای فراز و نشیب‌های بسیاری بوده که این موضوع بر ادبیات و فرهنگ عامه هر منطقه تأثیر گذاشته و نمود عینی آن را می‌توان در ضرب‌المثل مشاهده کرد. به همین دلیل «ضرب‌المثل زمینه مناسبی برای تعمیق بر محتوایشان جهت چرایی و چیستی برخی معانی و تفاسیر هستند که به انسان‌ها و از جمله زنان نسبت داده‌اند.» (محمدپور و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۶). بررسی ضرب‌المثل به عنوان یکی از اقسام ادبیات و فرهنگ عامه، نشان می‌دهد که گاهی داورهای ناعادلانه و غیر قابل قبول درباره زنان وجود داشته است؛ «داوری‌هایی که حسب مورد تا به امروز تداوم داشته است و در برخی از موارد همچنان موجب بازتولید وضعیت فرودستی برای زنان می‌باشد.» (محمدحسن‌زاده و بصیری، ۱۳۸۸: ۷).

باورهای نادرست نسبت به زن همواره وجود داشته است و در حوزه‌های مختلف فرهنگی و اجتماعی از قبیل دین، زبان، اقتصاد، شغل و قدرت رسوخ کرده است. باورهای جنسیتی عامیانه که در هر منطقه و بوم‌زیستی وجود دارد، گاهی در ضرب‌المثل نمود یافته است. «جنسیت‌گرایی در زبان بیانگر تعصب به نفع یک جنس و رفتار تعصب-آمیز علیه جنس دیگر است.» (حیدری و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹۶). در این مقاله هدف نگارندگان بررسی جایگاه زنان در ضرب‌المثلی رایج در دهقانان براساس تحریف‌های شناختی است. بسیاری از افراد به دلیل عدم آشنایی با اصول تفکر منطقی و صحیح، گاهی دچار تحریف‌های شناختی می‌شوند که گاه بسیار خطرناک است. به نظر روانشناسان، افسردگی، بی‌قراری، رقابت‌های ناصحیح، خشونت، پرخاشگری و بسیاری از رفتارهای غیر عادی دیگر در جامعه بی‌ارتباط با تحریف‌های شناختی نیست.

دهقان یکی از شهرهای تاریخی و گردشگری استان اصفهان، در فاصله نود کیلومتری جنوب غربی شهر اصفهان، در مرکز فلات ایران واقع شده است. هم‌مرز بودن با استان چهارمحال و بختیاری و وجود ایل قشقائی در دهقان می‌تواند به عنوان عاملی تأثیرگذار بر روحيات و رفتار اجتماعی مردم به‌ویژه در برخورد با زنان تلقی شود و ادبیات

خاصی که نشانگر نگرش و باورهای مردم منطقه است، ایجاد کند. این ادبیات شامل ضرب‌المثل، سروده‌های عامیانه، حکایات و اصطلاحات کنایی است، که اساس این پژوهش ضرب‌المثلی رایج است. در این مقاله تلاش می‌شود به پرسش‌های ذیل پاسخ داده شود: زن در ضرب‌المثلی مردم دهاقان چه جایگاهی دارد؟ نگاه منفی به زنان در ضرب‌المثلی دهاقان ریشه در کدام یک از خطاهای شناختی دارد؟ برای پاسخ به این پرسش‌ها به تحلیل محتوای ضرب‌المثلی پرداخته می‌شود که در آن‌ها چهره منفی زن بازتاب یافته است.

۲.۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در زمینه گردآوری و تحلیل ضرب‌المثلی فارسی و ضرب‌المثلی اقوام ایرانی به‌ویژه در حوزه جنسیتی انجام شده است که در ادامه به برخی از آن‌ها اشاره خواهد شد:

محسن معصومی و ویدا رحیمی‌نژاد (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان «زن و ضرب‌المثلی جنسیتی» به این نتیجه دست یافته‌اند که میزان شنیدن‌های جنسیتی در بین مردان ۹۳ درصد و در زنان ۷۴ درصد در مقیاس ۰ تا ۴ بوده است. با توجه به یافته‌ها چنین می‌توان نتیجه‌گیری کرد که میزان کاربرد ضرب‌المثل‌های جنسیتی در حجم نمونه مورد نظر در حد بسیار کم است.

مجید موحد و همکاران (۱۳۹۱) در مقاله «تحلیلی جامعه‌شناختی از ضرب‌المثلی زنانه در شهرستان لامرد استان فارس» به این نتیجه دست یافته‌اند که در جامعه مورد نظر آن‌ها هیچ‌گونه نقش اجتماعی و یا حرفه‌ای برای زنان قائل نبوده و ضرب‌المثل‌ها حول محور ویژگی‌های مختلف شخصیتی زنان و نقش‌های آن‌ها درون خانواده از جمله نقش مادری و همسری معطوف به مردسالاری موجود شکل گرفته است.

زهره عزتی و همکاران (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل گفتمان جایگاه زن در ضرب‌المثلی ترکی» بیان کرده‌اند که تعداد بازنمایی‌های مثبت و منفی از زن در ضرب‌المثلی ترکی به یک میزان است؛ اما در بیشتر موارد تصویری که از زن ارائه می‌شود، تصویری خنثی و عاری از هرگونه ارزش‌گذاری است.

جلیل کریمی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «بازنمایی هویت زن در ضرب‌المثلی لکی» به این نتیجه رسیده‌اند که به‌رغم چندگانگی‌های روایت هویت زن در ادبیات شفاهی لکی، آنچه در کل، به عنوان روح کلی حاکم بر آن می‌توان درک کرد، تصویر و هویتی در مرتبه دوم است.

آنچه در بالا ذکر شد، تنها نمونه‌ای از مقالاتی است که در این زمینه نوشته شده است؛ اما درباره جایگاه زن در ضرب‌المثلی شهر دهاقان و بررسی آن‌ها از جنبه خطاهای شناختی تاکنون تحقیقی انجام نشده است.

۳.۱. روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه، توصیفی-تحلیلی است که در آن با مراجعه به ضرب‌المثل‌های شهر دهاقان و تحلیل محتوای آن‌ها، چگونگی بازنمایی زنان در آن‌ها مشخص شده و نوع خطای شناختی که در شکل‌گیری ضرب‌المثل تأثیر داشته،

تعیین شده است. گردآوری ضرب‌المثل به روش میدانی صورت گرفته است. برای این منظور با ۱۶ نفر از افراد مطلع که اغلب بالای ۴۰ سال و از اقشار مختلف بوده‌اند، مصاحبه شده است. محدوده این پژوهش همه محلات شهر دهقان بوده است.

۴.۱. مبانی نظری پژوهش

بنیاد و پایه اصلی پژوهش حاضر تحریف‌های شناختی (Distortions Cognitive) است. در روان‌شناسی شناخت، به فرایندهای روانی اشاره دارد که حاصل ذهن آدمی بوده و منجر به «دانستن» می‌گردد. این فرایندها شامل یادآوری، ارتباط دادن، طبقه‌بندی کردن، نمادسازی، تجسم یا تصور، حل مسئله و تخیل و رؤیاپردازی است (ن.ک: محسنی، ۱۳۸۲: ۱۷). شناخت، مفهومی کلی است و همه انواع آگاهی را از قبیل ادراک، تفکر، تصور، استدلال و قضاوت در برمی‌گیرد. در روانشناسی باورهای ذهنی شناخت نامیده می‌شوند. ذهنیتی که ما در ضمیر ناخودآگاه خود داریم، همان باوری است که در ما وجود دارد. باورها به واقع افکاری هستند که از کودکی در ذهن فرد به وجود می‌آیند و تا آخر زندگی همراه او هستند. این افکار می‌تواند درست یا اشتباه باشد و به همین دلیل باور ذهنی از مهم‌ترین عواملی است که باعث پیشرفت و ترقی و یا زوال و انحطاط فرد می‌شود.

باورها، افکار، احساس و رفتار انسان را تحت تأثیر خود قرار می‌دهند. ابتدا فکر به ذهن خطور می‌کند. این فکر باعث ایجاد احساسی در فرد می‌شود؛ آن‌گاه او براساس احساس ایجاد شده، رفتاری را انجام می‌دهد. بدین ترتیب مشخص است که مبنای رفتار افکار است و این نکته داشتن افکار درست را پراهمیت می‌کند. در نظریه شناخت‌درمانی، تحریف‌های شناختی و باورهای ناکارآمد سبب بروز مشکلات عاطفی و روان‌شناختی می‌شود. در تعاملات اجتماعی و حوادثی که برای انسان پیش می‌آید و در هنگام ادراک و تفسیر وقایع «با تحریف‌های شناختی مانند اغراق، فاجعه‌پنداری، تحریف، نتیجه‌گیری شتاب‌زده، تعمیم مبالغه‌آمیز روبه‌رو می‌شود و وقایع و رویدادها را عامل اصلی ناراحتی و مشکلات خود می‌پندارد؛ درحالی‌که رویدادها به‌خودی‌خود نمی‌تواند باعث ایجاد مشکلات روان‌شناختی در افراد شود؛ بلکه شیوه‌های فکری و سبک پردازش اطلاعات و معنادهی به وقایع یا همان تفسیر رویدادهاست که این‌گونه احساسات و هیجانات منفی را در افراد ایجاد می‌کند.» (الیس و هارپر، ۱۹۹۸: ۱۰).

افکار نادرست که با دنیای واقعی مطابق نیستند، خطاهای شناختی نامیده می‌شوند. این باورهای نادرست یا خطاهای شناختی، ابزارهایی هستند که افراد برای حفظ و تأیید قوانین و فرضیات غلط ذهنشان در مورد خود، دیگران و دنیا استفاده می‌کنند. بدین ترتیب می‌توان گفت خطاهای شناختی به تصمیم‌گیری سریع‌تر و بهتر و دور کردن فرد از بعضی خطرات و ناآرامی‌ها و آسیب‌های روانی مانند اضطراب کمک می‌کند.

آرون بک (Aaron Beck) روان‌شناس معروف آمریکایی و معروف به «پدر شناخت‌درمانی» است. او و سایر روان‌شناسان شناخت‌درمانگر معتقدند انسان‌ها قوانین ذهنی بسیاری دارند که گاهی از آن بی‌خبرند و بسیاری از افسردگی‌ها و اختلالات اضطرابی از قوانین ذهنی مخرب یا تحریف‌های شناختی نشات می‌گیرد (ن.ک: شارف،

۱۳۸۴: ۳۲۴). در روان‌شناسی شناختی تأکید بر چگونگی کسب اطلاعات و چگونگی تفسیر آن‌ها در حل مشکلات است. نظریه‌های شناختی دید منفی نسبت به دنیا و خود و آینده و افکار خودکار منفی را عامل ایجاد افسردگی و دوام و بازگشت آن می‌دانند (ن.ک: بک، ۱۹۶۷: ۵۶). به نظر بک علاوه بر افکار خودآیند و طرح‌واره‌ها، خطاهای شناختی یا خطای پردازش اطلاعات نیز در تبدیل شناختارها به منبع نگرانی و تضاد در زندگی افراد نقش دارند. این خطاها، منجر به دریافت‌ها، اسنادها، انتظارات، فرض‌ها و معیارهای تحریف شده یا نامناسب می‌شوند (ن.ک: بی‌کوم، ۱۹۸۹: ۸۰). برای اولین بار در سال ۱۹۷۶ میلادی آرن بک نظریه خطاهای شناختی را مطرح و در دهه ۱۹۸۰ دیوید برنز آن را نام‌گذاری کرد. این خطاها افراد را به سمت تفکرات مخرب سوق داده، تحلیل و تفسیر و قضاوت آن‌ها را درباره رویدادها تحت تأثیر قرار می‌دهند و سبب ارزیابی و انتخاب نادرست می‌شوند.

وقتی یک باور در وجود فردی فعال باشد، او از منظر این باور حتی اگر نادرست باشد، به واقعیت‌ها نگاه و آن‌ها را تفسیر می‌کند. این باورها ژرف‌ترین سطح شناختی، فراگیر، انعطاف‌پذیر، و تعمیم‌یافته هستند. گاهی افراد از وجود این باورها بی‌خبرند، درحالی که آن‌ها بر زندگی و رفتار و عقایدشان مؤثر هستند. اگر این باورها منفی باشند، اثرات مخرب آن‌ها بیشتر است. باورهای منفی در جریان تجارب یادگیری اوایل زندگی شکل می‌گیرند و دیدگاه‌های فرد را شکل می‌دهند و به محض فعال شدن سبب سوگیری در پردازش اطلاعات می‌شوند تا خود را مورد تأیید و اطلاعات مخالف را رد کنند. «افکار منفی ریشه در ناآگاهی یا آگاهی‌های نادرست دارد. همین امر سبب انحراف در پردازش اطلاعات می‌شود.» (لی‌هی، ۱۳۸۵: ۲۱۸). این باورهای منفی افکار و احساسات منفی را تقویت می‌کنند و تداوم این نگرش منفی نسبت به خود، دیگران و دنیا، اضطراب و افسردگی و بیماری‌های روانی را در پی دارد. از دید، روانشناسان شناختی، تحریف‌های شناختی و باورهای غیر منطقی، علت بیشتر مشکلات رفتاری و تعارضات بین فردی است.

آشنایی با این خطاها و نحوه اصلاح آن‌ها در اصلاح الگوهای تفکر و تلقی از جهان اطراف و در نتیجه کاهش مسایل و مشکلات فردی و میان فردی بسیار موثر است. «رفتار می‌تواند شدیداً تحت تأثیر تخیلات فرد باشد. از آنجا که رفتار فرد دست کم تا حدی به وسیله فرایندهای شناختی او تعیین می‌شود، اگر این فرایندها به درستی واقعیت را منعکس نکنند، موجب رفتار ناسازگارانه می‌شوند.» (هرگنهان و آلسون، ۱۳۸۲: ۳۷۴). پس تغییر باورها و شناخت درست و منطقی تا حد زیادی می‌تواند در بهبود شرایط زندگی فردی و اجتماعی مؤثر باشد. رفتار از احساس و احساس از نوع تفکر نشات می‌گیرد. «چنانچه خطایی در فکر ما وجود داشته باشد، به احساس ما سرایت می‌کند و به دنبال آن، رفتار ما رنگ منفی به خود می‌گیرد و از حالت مناسب خارج می‌شود. برای داشتن رفتار مناسب، ما به احساس مثبت نیاز داریم و این از طریق تفکر مثبت پدید می‌آید.» (محمدحسین‌زاده، ۱۳۹۰: ۱۳۸)

شناخت خالی از لغزش و خطا نتیجه برقراری تعادل بین عواطف و هیجانات روحی و بر پایه تدبّر و اندیشه است. «نگرش و شناخت (باورهای ذهنی) امری موروثی نیست و می‌توان شناخت منفی را به شناخت مثبت تغییر داد و زندگی را پرتحرک و پویا ساخت. باورهای غیر منطقی، ریشه پریشانی هیجانی است و افکار مخرب موجب بروز

هیجان‌های ناسالم می‌شود.» (حکم‌آبادی و کاظمیان، ۱۳۹۲: ۲۹). هیجان‌های نادرست باعث خطای بصیرت می‌شود که خود برداشت نادرست و قضاوت ناسالم را دربردارد. «وقتی کسی دست‌خوش ترس، خشم، کینه، نفرت یا عشق و محبت شدید است، بیشتر اوقات در ادراک و ارزیابی‌های خود دچار لغزش و کج‌ورزی می‌شود؛ زیرا هیجان در ادراک واقعیت‌ها اختلال به وجود می‌آورد.» (پارسا، ۱۳۷۸: ۲۰۸)

دو دسته اصلی و مهم خطاهای شناختی تحریف‌های شناختی و سوگیری‌های شناختی هستند. تحریف‌های شناختی باعث مقاومت مغز در برابر پذیرش می‌شود. در نتیجه مغز چیزی را باور می‌کند که وجود خارجی ندارد. این نوع خطاهای شناختی سبب شکل‌گیری قوانینی در ذهن فرد می‌شوند و او پیوسته این قوانین را در زندگی خود تأیید و تقویت می‌کند و حاضر نیست با آن‌ها مخالفت کند. «در رویکرد شناختی، ده تحریف شناختی اصلی در شکل‌گیری و تداوم اختلالات هیجانی شناسایی شده که در فرایند درمان‌های شناختی و بازسازی و بازسازی آن‌ها به افراد آموزش داده می‌شود» (برنز، ۱۳۹۳: ۲۱)؛ این تحریف‌های شناختی عبارتند از: تفکر همه یا هیچ، تعمیم مبالغه‌آمیز، فیلتر ذهنی، بی‌توجهی به امر مثبت، نتیجه‌گیری شتابزده، درشت‌نمایی، استدلال احساسی، بایدها و نبایدها، برجسب زدن، شخصی‌سازی و سرزنش.

سوگیری‌های شناختی خطاهایی هستند که باعث ایجاد باور و نگرش غلط می‌شوند و ادراک، شناخت، تصمیم‌گیری و استدلال افراد را تحت تأثیر قرار می‌دهند. بیشتر این سوگیری‌ها از کودکی در فرد شکل می‌گیرند. برخی از سوگیری‌های شناختی عبارتند از: اعتماد به نفس بیش از حد، خطای تأیید خود، تفکر کلیشه‌ای، اثر لنگر انداختن، اجتناب از تعارض شناختی، تمرکز بر آخرین اطلاعات.

۵.۱. یافته‌های تحقیق

مدل شناختی تفکر ناکارآمد بر شناخت افراد از زنان در شهر دهاقان بسیار موثر بوده و به ضرب‌المثل‌ها راه یافته است. برخی از تحریف‌های شناختی از جمله: تفکر همه یا هیچ، تعمیم مبالغه‌آمیز، نتیجه‌گیری شتابزده، بایدها و نبایدها و برجسب زدن در شکل‌گیری این ضرب‌المثل‌های تأثیر داشته‌اند.

۲. بحث و بررسی

زن به عنوان یکی از کنشگران اجتماعی تصویری خاص و متفاوت در ضرب‌المثل دارد؛ گاه چهره‌ای متعالی و گاه منفی و تحقیرآمیز. اوضاع اجتماعی ادوار مختلف و برتری اندیشه مردسالاری در توجه به جنبه‌های منفی زنان مؤثر بوده است و «اساساً در باورها و اعتقادات و روایات ما چنین است و حتی این بحث به آغاز آفرینش می‌رسد که حوا باعث هبوط آدم شد» (شمیسا، ۱۳۷۸: ۵۲)؛ بنابراین داورهای ناعادلانه و غیر قابل قبول درباره زنان که متأسفانه برخی از آن‌ها اکنون نیز مورد اقبال است، بخشی از تصویر زن در ضرب‌المثل تلقی می‌شود و ضرب‌المثل‌های جنسیتی دهاقان نیز از این قاعده مستثنی نیست. در این تحقیق نگاه منفی به زنان مورد نظر است. «علی‌رغم بازتاب آموزه‌های منطقی در مثل‌های فارسی و حکیمانه بودن بسیاری از آن‌ها، گاهی خرد عامه هنگام وضع ضرب‌المثل از منطق دور شده، به مغالطاتی گرفتار شده است که بررسی آن‌ها می‌تواند به آگاه‌سازی کاربران کمک نماید» (انوار،

۱۳۷۵: ۳۷۳). ناگفته نماند که در بعضی از ضرب‌المثلی دهقان زنان جایگاهی ارزشمند و والا دارند؛ مثلاً ارزش و اعتبار مرد درگرو همسر اوست: «زنا شوور آسرا رووند.»

Zanâ şuver Âserâ ruvand-

برگردان: زن و شوهر آستر و رویه هستند.

نیز در بیان مکمل بودن زن و شوهر گفته می‌شود: «مرد آرد و زن وارد.»

mard âred zan vâred.

برگردان: مرد (پول به خانه) می‌آورد و زن وارد است (که چگونه خرج کند).

در ادامه تنها به تحریف‌های شناختی‌ای اشاره می‌شود که سبب شکل‌گیری ضرب‌المثلی جنسیتی در شهر دهقان شده است و از پرداختن به سایر موارد به دلیل محدودیت فضای مقاله اجتناب می‌شود.

۱،۲. تفکر همه یا هیچ (All or nothing thinking)

در این نوع تفکر که به نام‌های دوپاره‌سازی یا تفکر دو قطبی هم معروف است، فرد بر سفید یا سیاه متمرکز می‌شود. او همه پدیده و موضوعات را یا سفید می‌بیند یا سیاه؛ به عبارتی، در این تفکر دو قطب مخالف یکدیگر وجود دارند که فرد یکی را کاملاً خوب و عاری از نقص و دیگری را بد و پر از نقص و نارسایی می‌بیند. تفکر سیاه و سفید علاوه بر تأثیرات منفی فراوان، بر شناخت فرد از محیط اطرافش نیز موثر است.

«هیچ چیز به طور مطلق سیاه و یا سفید نیست. این که هر چیز اگر صددرصد کامل نباشد، محکوم به شکست است و یا افرادی وجود دارند که مطلقاً بد هستند و یا رویدادهایی مطلقاً سیاه و وحشتناک هستند و یا آموزه‌های مذهبی و یا اخلاقی‌ای که مطلقاً درست هستند، شیوه مطلق‌گرایی مستبدانه‌ای را منعکس می‌کند» (پروچاسکا و نورکراس، ۱۳۸۹: ۳۹۸).

برتری مرد و فرودست بودن زن یکی از این تفکرات است که در ضرب‌المثلی دهقان نیز بازتاب دارد. تمایل داشتن به فرزند پسر نیز از همین اعتقاد نشات می‌گیرد.

«میل به فرزند پسر یا دختر در ابتدا شخصی بوده و برای پدر و مادر در شرایط عادی، جنسیت فرزند چندان تفاوتی نمی‌کرده است؛ ولی زمانی که به نیروی بازوان سلحشوری نیاز بوده است، میل به فرزند پسر به علت کسب افتخارات و افزودن نیرو، مقاومت در برابر دشمن یا کشورگشایی و فتح سرزمین‌ها، افزایش می‌یافته است و برعکس، از آنجا که در جنگ امکان شکست نیز وجود دارد و دختران و زنان با به اسارت در آمدن، باعث ضربه زدن به روحیه سلحشوری و غیرت مردان می‌شده است» (حجازی، ۱۳۷۰: ۲۰۴).

ادامه نسل به شرط داشتن فرزندان پسر محقق می‌شود و کسی که فرزند پسر نداشته، «اجاق کور» نامیده می‌شود. در گذشته این مسئله تا جایی پیش می‌رفت که زنانی که پسر به دنیا می‌آوردند، خود را «پسرزا» دانسته، بر زن‌های

دیگر فخر می‌فروختند. حتی رسم بود زنی که فرزند پسر به دنیا می‌آورد، دستمالی به پیشانی بسته، برای شوهر و خانواده‌اش ناز و غمزه می‌کرد. یکی از دلایل محبوبیت فرزند پسر در خانواده‌ها به شغل اکثریت مردم که کشاورزی و دامداری بود، مربوط می‌شد. پسران از همان دوران کودکی دوشادوش پدر در کار کشاورزی و دامداری مشغول بودند. نگرانی از آینده دختران هم عاملی برای تمایل به داشتن فرزند پسر بوده است؛ به همین دلیل معتقد بودند بچه «کچل باشه، پسر باشه» و یا می‌گفتند: «مار بزا دختر نزا» و ضرب‌المثلی دیگر: «دختر میگه تا سه روز منا از خونه بیرون نندازید تا خودما جا کونم.»

Doxter mige tâ se ru manâ a xune birun nandâzid tâ xodmâ jâ kunam.

برگردان: دختر می‌گوید تا سه روز مرا از خانه بیرون نیندازید تا خودم را جا کنم.

تبعیض بین دختر و پسر تا آنجا بوده است که حتی نوزادان و کودکان پسر بیشتر مورد حمایت و توجه قرار می‌گرفتند: «دختر پی ما وا مُشتی پسر دَ ما وا پُشتی.»

Doxter payma mošti peser damâ pošti.

برگردان: دختر پنج ماه یک مشت و پسر ده ماه یک پُشت. (برای پسر ده ماهه بالش بگذارید تا بنشیند اما برای نشستن دختر پنج ماهه به کمر او مشت بزنید.)

ضرب‌المثل زیر نشان از بی‌ارزشی وجود دختر دارد، حال اگر نقصی هم در وجود او باشد، او را بی‌ارزش‌تر می‌کند: «جنازه دختر کورم رو شونت نیمذارم.»

Jenâze doxter kuromom ru šunot nimzâram

برگردان: جنازه دختر کورم را هم روی شانهاش نمی‌گذارم.

برتری وجودی مرد بر زن عاملی است در جهت التزام او بر انجام یا عدم انجام برخی از امور. در این نگرش نقش‌های مخاطره‌آمیز و دشوار که به توان جسمانی بالاتری نیاز دارد، به مردان سپرده می‌شود و زنان از انجام آن منع می‌شوند: «آسیو رفتن کاری مردس.»

Asiyow raftan kâri mardes.

برگردان: آسیا رفتن کار مرد است.

با وجود ارزش و احترامی که همواره برای مادر در فرهنگ‌ها و ملل مختلف وجود داشته است، گاهی به ضرب‌المثلی برخورد می‌کنیم که در آن‌ها مادر فاقد ارزش و اعتبار معرفی شده است. بنیاد خانواده و هستی فرزند به واسطه پدر است و مادر رهگذری است که تنها وظیفه فرزندآوری دارد: «اصل پدره کا مادر رهگذره.»

Asl pedere kâ mader rahgozere.

برگردان: اصل پدر است که مادر رهگذر است.

در ضرب‌المثلی دیگر نیز اصالت به پدر داده شده و مادر را دختر مردم خوانده‌اند: «خودم خوب با شما و خارم، مادرم دختر مردومه.»

Xodom xub bâšamâ xârom mâderom doxter mardume.

برگردان: خودم خوب باشم و خواهرم، مادرم دختر مردم است.

رابطهٔ عروس و مادرشوهر همواره محل بحث است. در این زمینه تفکر غالب آن است که همیشه عروس با مادرشوهر سرناسازگاری دارد: «خارسو به جون کندن عروس به مو کندن.»

Xârsu be jun kandan arus be mu kandan.

برگردان: مادرشوهر در حال مرگ است، اما عروس در حال اصلاح (بندانداختن) است.

اما رابطهٔ عروس و پدرشوهر خوب و دوستانه تلقی شده است. غالباً پدرشوهر عروس را دوست دارد و به او احترام می‌گذارد و این در صورتی است که مادرشوهر مداخله در این رابطه نکند: «جونی دلم پدرشوهر/اگه گذاشت مادرشوهر»

Juni delom peder šuver/ age gozâš mâder šuver

برگردان: جان دلم پدرشوهر/اگر گذاشت مادرشوهر.

رابطهٔ جاری‌ها نیز معمولاً با نفرت و دشمنی توصیف شده و ناسازگاری بین آن‌ها امری عادی و همیشگی است: «بخچه حمومی دوتا هوو را میشه پلو هم پن کونی آما دو تا یادا نیمشه.»

Boxče hamumi do tâ havu râ miše palu ham pan kuni âmâ do tâ yâdâ nimše.

برگردان: بخچه حمام دو تا هوو را می‌شود پهلوی هم پهن کنی اما دو تا جاری) را نمی‌شود.

۲.۲. تعمیم مبالغه‌آمیز (overgeneralization)

فرد با این خطای شناختی حقایق و واقعیت‌های زندگی را اغراق‌آمیزتر و پررنگ‌تر از میزان واقعی آن می‌بیند و هر حادثهٔ منفی را شکستی کامل تلقی می‌کند و همواره در کلام خود از کلماتی چون هرگز و همیشه استفاده می‌کند. تعمیم مبالغه‌آمیز باعث قضاوت و پیش‌داوری نادرست دربارهٔ دیگران می‌شود، زیرا در این حالت فرد بدون آگاهی و تجربهٔ کافی مسایل را به یکدیگر تعمیم می‌دهد. در ضرب‌المثلی یک جامعهٔ مردسالار معایب یک زن به تمام زنان تعمیم داده می‌شود. در مثل زیر نشان می‌دهند که زن دل‌سوز شوهرش نیست و از اموال مرد مراقبت نمی‌کند و از طرفی مرد مخارج خانه را تأمین کند، ولی از طرف دیگر هیچ پیشرفتی در زندگی ندارد، زیرا زن اموال او را درست مصرف نمی‌کند: «ته خونه سولاخه.» ta xune sulâxe

برگردان: ته خانه سوراخ است.

دعوا و جدال عروس و مادرشوهر در همه فرهنگ‌ها دیده می‌شود. یکی از اعتقادات این بوده است که مادرشوهر باید عروس را به روش خودش تربیت کند؛ مثلاً برای ترغیب او به کم‌خوری این مثل را به کار می‌برده است: «عروس کم‌خور میشه، آما هیچی نخور نیمشه.»

Arus kam xor miše âmâ hiçi naxor nimše

نگاه مردم دهاقان به زنان بیوه نگاه ملامت‌آمیزی بوده است و زنان بیوه در جامعه از حرف مردم در امان نبوده، در معرض اتهام قرار می‌گرفتند. آن‌ها در خانواده خود نیز محدودیت‌های بسیاری از سوی پدر و برادران داشتند. به همین دلیل زنان بیوه سعی می‌کردند ملاحظات بسیاری در رابطه با نامحرم داشته باشند: «زن بووه لچکی سرش دشمنشه.»

Zan bowve laček saroš došmanše

برگردان: زن بیوه روسری‌اش هم دشمنش است. (لچک: روسری)

در مثل زیر آمادگی همیشگی برای رفتن بیرون از خانه را به همه زنان نسبت داده‌اند: «زن چادرش تو کلندون در خونشه.»

Zan čâčowš tu kelendun dar xuneše.

برگردان: زن چادرش توی کلندون در خانه‌اش است. (کلندون قفل چوبی در درهای قدیمی).

در فرهنگ دهاقان مانند بسیاری دیگر از مناطق، زن نماد حیا و عفت است و بر مستوری و خانه‌نشینی او توصیه شده و بیرون رفتن او از خانه ناپسند است و البته همین مسئله باعث انزوا و انفعال او در جامعه می‌شود. مثل‌های زیر هم به این نکته اشاره دارد که وقتی مرد خانه برای انجام کار از خانه خارج می‌شود، زن هم برای خوش‌گذرانی از خانه خارج می‌شود و این مسئله باعث خرابی است: «مرد گله را رو کرد، زن چاچپ به سر کرد.»

Mard galle râ ro kard zan čâčap be sar kard .

برگردان: مرد گله را روانه کرد، زن چادر به سر کرد.

«مرد انیشتن، زن ا رفتن، خونه خراب میشه.»

Mard a nišestanan ʔ raftan xune xerâb miše.

مرد از خانه نشستن، زن از بیرون رفتن خانه خراب می‌شود.

۲-۳. نتیجه‌گیری شتابزده (hasty conclusion)

فرد در این خطای شناختی بدون داشتن دلایل قوی و محکم نتیجه‌گیری می‌کند. نتیجه‌گیری شتابزده گاهی از طریق ذهن‌خوانی و گاهی از طریق پیش‌گویی انجام می‌شود. در ذهن‌خوانی فرد می‌کوشد افکار، احساسات و تمایلات دیگران را درباره‌ی خودش حدس بزند و در پیش‌گویی او پیش‌بینی می‌کند که اوضاع و شرایط بر وفق مراد او نخواهد بود. این اعتقاد وجود دارد که زن باعث فریب و به انحراف کشیدن مرد می‌شود و او را به گناه سوق می‌دهد. البته این تفکر، در بیشتر ادیان و فرهنگ‌ها وجود داشته و ریشه در تاریخ دارد. در تورات به صراحت گفته شده است که حوا آدم را وادار کرد که از میوه ممنوعه بخورد و از امر خدا سرپیچی کند، پس زن با گناه نخستین چراغ زندگی بشر را خاموش کرد (ن.ک: کوهن، ۱۳۵۰: ۱۳۱).

این اعتقاد سبب شده است که در ضرب‌المثل نیز زنان عامل اصلی انحرافات مردان شناخته شوند: «تا زن نشه لیمه، مرد نیم‌کنه گووه.»

Tâ an naše lime mard nimkane gowve

برگردان: تا زن لیم نشود، مرد گیوه پا نمی‌کند. (لیم در معنای شوخ و بذله‌گوست که در اینجا صفتی ناپسند برای زنان در ارتباط با مردان غریبه در نظر گرفته شده است.)

«زن هرزه را ای تو شیشه وُم کونی کار خودشا میکونه.»

Zan arze râ ay tu šiše vom kuni kâr xodšâ mikune.

برگردان: زن هرزه را اگر در شیشه هم بکنی، کار خودش را می‌کند.

چنان‌که گفته شد، یکی از دلایل نتیجه‌گیری شتابزده، پیش‌گویی است؛ مثلاً این‌که مرد پیش‌بینی می‌کند که اگر زن زیاروی داشته باشد، توجه همه به او جلب می‌شود: «زن قشنگ مال مردومه زن زشت مال خودت.» برگردان: زن قشنگ مال مردم و زن زشت مال خودت است.

Zan qašang mâl mardume zan zest mal xodot.

۴.۲. باید‌ها (Should Statements)

استفاده از عبارات‌های باید و نباید یکی از انواع خطاهای شناختی است. این خطا باعث می‌شود فرد در تفسیر وقایع به جای تمرکز بر آنچه اتفاق افتاده، بر آنچه باید اتفاق می‌افتاد، تأکید کند که نتیجه آن آرمان‌گرایی و کمال‌گرایی خواهد بود. «باید‌ها» وقتی متوجه جهان بیرون و دیگران باشد، باعث خشم و دل‌سردی می‌شود.

یکی از باورها درباره‌ی زن این است که او باید پیوسته و بی‌وقفه به کارهای خانه پردازد و زرنگ باشد. زنان تنبل و تن‌پرور همواره مطرود و مورد سرزنش بوده‌اند. در ساختار سنتی خانواده‌های قدیم مسئولیت همه کارهای خانه بر

عهده خانم‌ها بوده و اگر زنی مسئولیت خود را درست انجام نمی‌داد و بی‌نظمی در خانه او می‌دیدند، مثل زیر را به کار می‌بردند: «گر کاری زن هر روزه بید، خستی خوئش فیروزه بید.»

Gar kâri zan har ruze bid/xešti xuneš firuze bid

برگردان: اگر زن هر روز کارش را انجام می‌داد، خست خانه‌اش فیروزه می‌شد.

در عصر جدید که فن‌آوری به کمک انسان‌ها آمده، زنان نیز از برخی امکانات نوین در انجام امور خانه بهره‌مند شده‌اند، اما گویا این امر چندان خوشایند تفکر حاکم بر جامعه مردسالار نیست: «برا دو دسه خودا خواسته یکی زنا یکی خرا.»

Berâ do dasse xudâ xâste yeki zanâ yeki xarâ.

برگردان: برای دو گروه خدا خواسته است: یکی برای زن‌ها و یکی برای خرها.

در ادبیات شفاهی و ضرب‌المثل یکی از جنبه‌های مهم و قابل توجه زیبایی و ظاهر زنان است. هرچند رخ و چهره زیبا اثر صنع زیبایی‌آفرین مطلق است که نهایت تجلی آن در سیمای زنان خوبرو متجلی می‌شود، لیکن به گونه‌ای قلمداد شده که خوبرویی صفتی است که تنها زن باید از آن بهره‌مند باشد و ارزش و اعتبار او به واسطه آن است. زیبایی برای هر زنی جزو لوازم وجودی او قلمداد شده است؛ به‌ویژه بر زیبایی چشم و ابرو تأکید شده است: «خونه سا آب و جارو، زنسا چشا و ابرو»

xoonesa ab o garoo zanesa cheša abroo

برگردان: خانه با آب و جارو و زن با چشم و ابرو زیبا می‌شود.

و از زبان زنی که از زیبایی طبیعی برخوردار نیست و با آرایش خود را زیبا نشان می‌دهد، این‌گونه گفته شده است: «سرخاب سیفیداب رنام کرد یه شب نمالیدم رسوام کرد»

Sorxâb sifidâb ranâm kard ye ab namâkidam rosvâm kard

برگردان: سرخاب سفیداب رعنایم کرد (باعث زیبایی من شد)، اما یک شب از آن استفاده نکردم و رسوا شدم.

اما ضرب‌المثل زیر نشان می‌دهد آنچه درباره مرد اهمیت دارد، ثروت و مال و منال اوست، نه ظاهر زیبا و آراسته او: «نوم تو تا قار باشه، شوورم شاغال باشه.»

Nunum tu tâqâr base šuverum šâqâl base

برگردان: نانم تو تغار باشد، شوهرم شغال باشد.

در حالی که مردی را که «به پشت گرده‌اش بزنی، گرد و خاک بلند شود» شایسته و سزاوار دامادی می‌دانند، عروس باید زیبا باشد، او را به «قرص ماه»، «پنجه آفتاب» تشبیه می‌کنند و وقتی عروس نازیبا را می‌بینند که ناز و عشوه‌ای دارد، از روی طعنه و استهزا می‌گویند: «عروس شکل نداره، ماشالا به نازش».

Arus šekl nadâre masala be nazoš.

برگردان: عروس شکل نداره، ماشاءالله به نازش. (شکل: صورت زیبا)

به هر روی، زیبایی لازمه وجودی عروس، و زشتی برای او همواره موجب سرزنش و حقارت است: «عروس از بس خوشگل بید، اوله وم درآورد».

Arus az bas xoşgel bid ullevom darovord

برگردان: عروس از بس خوشگل بود، آبله هم درآورد.

ازدواج دختران از دغدغه‌های اصلی پدران و مادران است. مثل زیر نشان می‌دهد که مادران علاقه‌مند ازدواج دختران هستند و از دختر تعریف می‌کنند، اما دیگران آن را خوشایند نمی‌دانند؛ چراکه اعتقاد بر این است که دیگران باید خوبی دختر را تشخیص دهند و تعریف کردن مادر از خوبی دخترش ارزشی ندارد: «دختر کا تعریفشانهش بوکنه برانهش خوبه».

Doxter kâ ta?rifšâ naneš bukune berâ aneš xube.

برگردان: دختری که مادرش از او تعریف کند، ارزشی ندارد و فقط برای مادرش فایده دارد.

یکی از بایدها درباره مراسم ازدواج آن است که شادی خاص خانواده داماد است نه عروس و گاهی به طعنه می‌گویند: «خونه دوماد خبری نیس، خونه عروس عروسیه».

Xune dumâd xeberi nis xune ?arus ?arusiye

خانه داماد خبری نیست، اما خانه عروس عروسی است.

بزرگ‌تر بودن داماد از نظر سنتی نسبت به عروس از دیگر بایدهایی است که موجب شکل‌گیری ضرب‌المثل زیر شده است: «آش بلگی گرما چایده، عروس دومادا زایده».

Ash balgi garmâ çâyde/ ?arus dumâdâ zâyde.

برگردان: آش برگ (آش رشته) گرم و چاییده (خنک)، عروس داماد را زاییده (عروس از داماد بزرگ‌تر است).

نیز به عروسی که بزرگ‌تر از داماد باشد، می‌گویند: «سکینه از عمه گنده‌تر».

یکی دیگر از بایدها در ارتباط با دختران حرف نزدن و سکوت آنها در جمع به ویژه در محفل‌های مردانه و در جمع بزرگ‌ترهاست که در ضرب‌المثل زیر نمود یافته است: «اگه آ یانه صدا دراومد، آ دخترم صدا درمیاد.»

Age a yâne sedâ darumed a doxterom sedâ dar miyâd.

برگردان: اگر یانه (هاون) بتواند حرف بزند، دختر هم می‌تواند حرف بزند.

نداشتن استقلال و زیردست بودن از دیگر بایدهایی است که در ضرب‌المثلی جلوه کرده است. زن در هر زمینه‌ای که سرآمد و توانمند باشد، باید از همسر خود تبعیت کند و بر او برتری ندارد: زن اگه شیر، آخر به زیره.

Zan ageh shire be zire

برگردان: زن اگرچه قدرت شیر را داشته باشد، اما زیردست مرد است.

سلطه مردان بر زنان از بایدهای بازمانده از نظام مردسالاری جوامع پیشین است که فرمانبرداری از مرد را تکلیف زن می‌دانست و به مردان اجازه دخالت در امور زنان را بی‌هیچ قید و شرطی می‌داد. گاهی زن در خانواده آنقدر ضعیف است که حتی همسرش هم به او احترام نمی‌گذارد و نه تنها خود او را مورد اذیت و آزار قرار می‌دهد، اجازه می‌دهد اطرافیان نیز به او بی‌احترامی کنند: «شوورکا خارم کرد، همساده پامالم کرد.»

Šuver kê xârom kard hamsâde pâmâlom kard

برگردان: شوهر که خارم کرد، همسایه پامالم کرد.

ضرب‌المثل زیر گویا پاسخی باشد به مثل بالا و گلایه زن‌ها از بی‌احترامی دیگران نسبت به خود و دخالت آنان در زندگی‌شان: «من زن محوّم زن محله کا نیسم.»

Man zan mahmedam zan mahale kê nisam.

برگردان: من زن محمد هستم، زن محله که نیستم.

۵.۲. برچسب زدن (Labeling)

فرد با این خطای شناختی صفات منفی را به خود و دیگران نسبت می‌دهد. این خطای شناختی سوگیری و گرایش متداولی است که در توصیف و تبیین علل رفتار اجتماعی افراد، بر نقش عوامل شخصیتی یا ویژگی‌های پایدار آنها بیشتر از موقعیت‌های محیطی‌شان تأکید می‌کند. وقتی نگاه به یک فرد یا یک واقعیت تک عاملی باشد و او تنها در یک خصوصیت خلاصه می‌شود و در نتیجه این دیدگاه محدود، سایر ویژگی‌های او دیده نمی‌شود، به همین دلیل برچسب زدن غیر منطقی است و باعث دل‌سردی، خشم و اضطراب می‌شود و مانع بزرگی برای ارتباط سازنده محسوب می‌شود.

در جوامع مختلف باور اشتباهی وجود دارد که عقل زن، از عقل مرد کمتر است و زن را بی‌عقل یا کم‌عقل گفته‌اند. حتی گاهی برای آن نسبت هم تعیین کرده، می‌گویند: عقل زن، نصف عقل مرد است. این باور در ادبیات عامه، به‌ویژه ضرب‌المثل، نمودی خاص دارد. ضرب‌المثل زیر نمونه‌ای از تقابل عقل زن و مرد است که کاربرد آن برای کسی است که برای دیگران نظرهای خوبی می‌دهد، اما عقلش به کار خودش نمی‌آید: «برا همه اوساس، برا خودش زن اوسا.»

.Berâ hame usâs berâ xodoš zan usâ.

برگردان: برای همه استاد است، برای خودش زن استاد است.

در ضرب‌المثلی دیگر عاقلانه رفتارکردن زن مانند بالا رفتن الاغ از نردبان امری غیر ممکن تلقی شده است: «هر وخ خر از نوردون رف بالا، زنم سر عقل میاد.»

Har vax xar a novardun raf bâlâ zanom sar aql miyâd.

برگردان: هر وقت خر از نردبان بالا رفت، زن هم سر عقل می‌آید.

در این ضرب‌المثل هم به کم‌عقلی زن اشاره شده است: «زن عقلش تا پیسینه»

Zan aghlosh ta peysine

برگردان: عقل زن تا عصر کار می‌کند.

زیاده‌گویی و پرحرفی از دیگر خصوصیات است که از کم‌عقلی نشأت می‌گیرد و منجر به سخن‌چینی و تضریب می‌شود که این خصیصه را نیز به زنان نسبت داده‌اند. «از روزگاران کهن بر سر زبان‌هاست که زنان توانایی نگهداری راز را ندارند و از این روی مردان خردمند هیچ‌گاه نبایستی راز خود را برای زنان برملا کنند.» (حجازی، ۱۳۷۰: ۲۵۲). وقتی در مکانی سر و صدای زیادی برپاست، آن‌جا را به حمام زنانه تشبیه می‌کنند. «مث حموم زنونه» (مثل حمام زنانه است). در مثل زیر به سخن‌چینی زنان اشاره شده که موجب فتنه‌انگیزی و آشوب می‌شود: «جیک جیک زنون کشتاری مردون.»

Jik jik zanun koštari mardun.

برگردان: جیک جیک زنان کشتار مردان.

در مثلی دیگر زیاده‌گویی زنان که باعث افشای اسرار می‌شود، این‌چنین به تصویر کشیده شده است: «دَنش کلندون نداره.»

Danoš kelendun nadare.

کلندون در تداول عامه شهر دهاقان به معنای «کلون» بوده و این ضرب‌المثل معادل ضرب‌المثل «دهنش چفت و بست ندارد» است.

بهانه‌جویی از دیگر خصایصی است که آن را به زنان نسبت می‌دهند. باور نادرست آن است که زنان با بهانه‌تراشی خود را توجیه می‌کنند و به اهداف مورد نظرشان دست می‌یابند: «عروس بلد نیس برخسه، میگه خونه چوله‌س.»

Arus baled nis beraxse mige xune

برگردان: عروس بلد نیست برقصد، می‌گوید خانه کج است.

با این مثل نشان می‌دهند که زنان به دنبال بهانه‌جویی هستند. کاربرد این مثل در مورد افرادی است که از عهده کاری بر نمی‌آیند و تقصیر را به گردن فرد دیگری می‌اندازند.

حسادت و چشم و هم‌چشمی ویژگی دیگری است که برخی آن را خاص زنان می‌دانند. در ضرب‌المثل زیر به همین موضوع اشاره شده که زن‌ها حتی از روی حسادت و چشم و هم‌چشمی شوهر می‌کنند: «دوینا آگه تو ورجیکا مَ ورجیک بوؤ یه شور برا شری بس بوؤ.»

Dunyâ age tovarjikâ mavarjik bowd ye šuver berâ ye sari bas bowd.

برگردان: دنیا اگر تو ورجیک من ورجیک بود، یک شوهر برای شهری بس بود.

۳. نتیجه‌گیری

در بعضی از ضرب‌المثل سوگیری جنسیتی دیده می‌شود. این ضرب‌المثل، موقعیت اجتماعی زن و مرد را نشان می‌دهند و توقعات و خواست‌های جامعه از هر جنس (زن و مرد) را آشکار می‌کنند. در این پژوهش که از نوع میان‌رشته‌ای است، جایگاه زنان در ضرب‌المثلی رایج در شهر دهاقان-از توابع اصفهان- بررسی و مشخص شد که مدل شناختی تفکر مختل و ناکارآمد بر شناخت افراد از زنان در این شهر تأثیر بسیار گذاشته و در ضرب‌المثل نمود یافته است. در بین انواع تحریف‌های شناختی تفکر همه یا هیچ، تعمیم مبالغه‌آمیز، نتیجه‌گیری شتابزده، بایدها و نبایدها و برجسب زدن از جمله مواردی است که در شکل‌گیری ضرب‌المثل‌های مورد تحقیق مؤثر بوده‌اند که نشان می‌دهد در پیش‌زمینه فرهنگی- اجتماعی مردمان شهر دهاقان گزاره‌های زن‌ستیزانه زیادی وجود دارد. ارزیابی واقع‌گرایانه و تغییر نگرش راهی برای اصلاح این باورها و شناخت‌های تحریف شده است. باید در مقابل افکار منفی و غیر منطقی درباره زنان، افکار منطقی و صحیح جایگزین شود و با شناخت باورها و اعتقادات ناصحیح که طی دوران رشد، به ذهن افراد جامعه رسوخ کرده و پالایش آن‌ها و استفاده از سیستم ارزشی درست و مبتنی بر واقعیت ذهن را از اشتباهات شناختی که باعث عدم درک صحیح زنان شده است، پاک کرد.

منابع

- انوار، عبدالله (۱۳۷۵) تعلیقه بر اساس الاقتباس خواجه نصیرالدین طوسی، تهران: نشر مرکز.
- برنز، دیوید (۱۳۹۳) *از حال بد به حال خوب*، ترجمه مهدی قراچه داغی، تهران: آسیم، چاپ سی و ششم.
- پارسا، محمد (۱۳۷۸) *بنیادهای روان‌شناسی*، تهران: سخن.
- پروچاسکا، جیمز؛ نورکراس، جان (۱۳۸۹) *نظریه‌های روان‌درمانی (نظام‌های روان‌درمانی)*، ترجمه یحیی سیدمحمدی (ویراست ششم)، تهران: روان، چاپ دوم.
- پیش‌قدم، رضا و دیگران (۱۳۹۹). *واکاوی زبانهنگ مثبت‌نگری در ضرب‌المثل‌های زبان فارسی. نشریه فرهنگ و ادبیات عامه*، ۸ (۳۴)، ۲۲۳-۲۵۲.
- حجازی، بنفشه (۱۳۷۰) *زن به ظن تاریخ*، نشر شهرآشوب.
- حسین‌زاده، علی (۱۳۹۰). *خطاهای شناختی و نقش آن در نارضایتی از زندگی*. *مجله روانشناسی دین*، ۴ (۳)، ۱۲۵-۱۴۴.
- حکم‌آبادی، محمود و کاظمیان، صفورا (۱۳۹۲) *چالش‌های شناختی غزلیات سعدی، مجله عرفانیات در ادب فارسی*، ۱۴ (۴)، ۲۵-۴۴.
- حیدری، آرمان. ابتکاری، محمدحسین. محقق، عبدالمجید (۱۳۹۶). *واکاوی مفهوم زن در ضرب‌المثلی لری با تاکید بر بعد نابرابری جنسیتی*. *نشریه فرهنگ و ادبیات عامه*، ۵ (۱۷)، ۱۹۵-۲۲۱.
- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۴) *زبان و ادبیات عامه ایران*، تهران: سمت.
- شارف، ریچارد (۱۳۸۴) *نظریه‌های روان‌درمانی و مشاوره*، ترجمه مهرداد فیروزبخت، چاپ دوم، تهران: رسا.
- شمیسا، سیروس (۱۳۷۸) *تقد ادبی*، تهران: فردوس.
- کوهن، آبراهام (۱۳۵۰) *گنجینه‌ای از تلمود*، ترجمه امیرفریدون گرگانی، تهران، چاپخانه زیبا.
- لی‌هی، رابرت (۱۳۸۵) *تکنیک‌های شناخت درمانی*، ترجمه حسن حمیدپور و زهرا اندوز، تهران: ارجمند، چ سوم.
- محسنی، نیک‌چهر (۱۳۸۲) *نظریه‌ها در روان‌شناسی رشد*، تهران: پردیس.
- محمدپور، احمد و دیگران (۱۳۹۱). *مطالعه تفسیری بازنمایی زن در ضرب‌المثلی کردی*. *نشریه زن در فرهنگ و هنر*، دوره ۴، ش ۳، صص ۶۵-۸۳.
- محمدحسین‌زاده، عبدالرضا، بصیری، محمدصادق (۱۳۸۸). *بررسی جنسیت در ضرب‌المثل با توجه به آیات و احادیث*. *نشریه مطالعات اجتماعی-روانشناختی زنان*، ۷ (۴)، ۷-۳۱.

هرگنجان، بی.آر و آلسون، متیو اچ (۱۳۸۲) مقدمه‌ای بر نظریه‌های یادگیری، ترجمه علی سیف، تهران: دوران.

Ellis, A. & R. Harper, (1998). *A Guide to Rational Living*, 3rd ed. Hollywood, CA: Wilshire Books .

Baucom. D.H. (1996) Assessing relationship standards: relationship standards. *Journal of family psychological*. 10. 72- 88.

Beck. A.T. (1967) *Depression: clinical experimental and theoretical aspects*. New York: Hoeber

References

Anwar, A. (1996). Essay based on the quotation of Kh^vaja Nasir al-Din Tusi. Tehran: Markaz. (in Persian)

Baucom. D.H. (1996). Assessing relationship standards: relationship standards. *Journal of family psychological*. 10. 72- 88.

Beck. A.T. (1967). *Depression: clinical experimental and theoretical aspects*. New York: Hoeber.

Burns, David (2013). *From Bad to Good*. Translated by Mehdi Garache Daghi, Tehran: Asim, 36th edition.

Cohen, A (1971). A treasure of Talmud. Translated by Amir Fereyduun Gorgani, Tehran, Ziba Printing House.

Ellis, A. & R. Harper, (1998). *A Guide to Rational Living*. 3rd edition, Hollywood, CA: Wilshire Books.

Hakemabadi, M and Kazemian, S (2013) .Cognitive Challenges of Saadi's lyric poetry. *Persian Literature Journal of Mysticism*, 14(4), 25-44. (in persian)

Heydari, A. Ebtokari, M H. Mohagheghi, AM (2017). Analysis of the concept of woman in Lori proverbs with an emphasis on gender inequality. *Farhang and Popular Literature*, 5 (17), 195-221. (in Persian)

Hijazi, B. (1991) .*Woman under the suspicion of history*. Shahrashob publication. (in Persian)

Hosseini-zadeh, A. (2011) .Cognitive errors and their role in dissatisfaction with life. *Journal of Psychology of Religion*, 4.(3), 125-144. (in Persian)

Lee Hay, R (2015). *Cognitive Therapy Techniques*. translated by Hassan Hamidpour and Zahra Indoz, Tehran: Arjmand, .

Mohseni, N (2012) .*Theories in developmental psychology*. Tehran: Pardis. (in Persian)

Mohammadpour ,A and others (2011). An interpretive study of the representation of women in Kurdish proverbs. *Zan Dar Farhang wa Hanr*, 4 (3), 65-83. (in Persian)

Mohammad Hosseinzadeh, A, Basiri, M (2008). Examination of gender in proverbs according to verses and hadiths. *Journal of Women's Social-Psychological Studies*, 7(4), 31-7.

Harganhan, B.R. and Alson, M. (2012) .*An introduction to learning theories*. translated by Ali Seif, Tehran: Doran. (in Persian)

Parsa, M. (1999). *Foundations of Psychology*. Tehran: Sokhan. (in Persian)

Pishghadam, R. and others (2019) .Positive Rhetorical Study in Persian proverbs. *Farhang and Popular Literature Journal*, 8(34), 223-252. (in Persian)

Prochaska, J; Norcross, J (2010). *Theories of psychotherapy (systems of psychotherapy)*. translated by Yahya Seyed Mohammadi (6th edition), Tehran: Rovand, 2nd edition. (in Persian)

Shamisa, S (1999). *Literary criticism*. Tehran: Ferdous.

Scharf, R (2005). *Theories of psychotherapy and counseling*. Translated by Mehrdad Firoz Bakht, second edition. Tehran: Rasa. (in Persian)

Zulfiqari, H (2015). *General Language and Literature of Iran*. Tehran: Samt. (in persian)